اِذْ قَالَتِ الْمَلٰئِكَةُ عقل کل آمخته نوح اب ٭ زان ازل مکتب ای لقب ٭ علمه گفت شدید القوی ٭ زان سبق خواند آن او را خدای ٭ بیت
دیگر یاد کن ای ای محمد از گوشه ستان و فصیح آنست که جبرئیل گفت یَا مَرْيَمُ ای خادمه خدای اِنَّ اللّٰهَ يُبَشِّرُكِ بدرستی که خداوند تعالی
مژده میدهد ترا و این حال در وقتی بود که مریم در مغتسل خود غسل کند و جامه پوشید و میخواست که بیرون آید جبرئیل به صورت بشری
در غایت زیبائی بر وی متمثل شد و مریم از آن صورت زبان شده در گرداب اضطراب افتاد جبرئیل گفت لا تخافی ای مریم مترس که خدا مرا
فرستاده تا ترا بشارت دهم بِكَلِمَةٍ مِنْهُ بکلمه از و مراد حضرت عیسی است و عیسی الکلمه از آن گفت که بکلمه کن حاصل شد بی
پدر و اگرچه هر مخلوقی بواسطه این کلمه آفریده شده الا سبب متعارف که والد باشد یا آنکه کلمه تبینه میکند بمعانی و عیسی نیز ارشاد میشود بحقایق
و اسرار ربانی اِسْمُهُ نام آن کلمه ضمیر آن مذکر آورد جهت آنکه مذکر است الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ مسیح لقبست و اسم عیسی تقدیم لقب
بر اسم از وجه تعظیم باشد چنانچه گویند المصطفی محمد صلعم ای عزیز اسم همین عیسی است و او بلغت سریانی الیشوع بود و یعنی ظاهر لغت با
مشهور منقبت و مسیح لقبست و گفته اند از اسم و بکسر میم است و تشدید سین کما قیل اِنَّ الْمَسِيحَ يَقْتُلُ الْمَسِيحَا و اگر مسیحا گویند معنی ممسوح
است و اند بود و چه او ممسوح است بغه ممسوح العینست یک چشم مطلقا ندارد و جای آن شکافت نیست و یک چشم دیگرش چون انگور است
بر بالای آب یعنی بجوی کرده و از موضع خود بدر آمده و بمعنی فاعل نیز میشاید چه او هیچ همه روی زمین خواهد بود و باندک زمانی تمام زمین
سیاحت خواهد نمود الا مکه و مدینه و بیت المقدس که زمین این سه موضع ممسوح قدم نامبارک او نخواهد شد و قصه ظهور دجال
و قتل او بر دست عیسی در بیان اشراط ساعت باید پس صفتی دیگر عیسی را میستاید و میفرماید وَجِيهًا یعنی روی شناس تمام قدر و جاه
و منزلت در دنیا بطاعت یا بنبوت یا بتقدیم بر خلق یا بمخلوق شدن بی پدر یا برفع بر آسمان یا به فرو آمدن در آخر الزمان برای نصرت
دین محمدی صلعم یا بقتل دجال فِي الدُّنْيَا و در آخرت بشفاعت یا بعلو درجه یا بآنکه خلق روز قیامت یا فهمات نسبت کنند به با باو
شرمنده نشود وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ و از فرزندان نزدیک گردانیده کانست بثواب خدای کرامت او یا مقرر است نزدیک خدای بمکان رفعت
مکان و گفته اند از جمله تقریب آنست که او را بآسمان بر نزدای عزیز هرکه قرب الهی طلبد از زمین تعلقات که حضایض جهالت و مضیق بطالت
ببال اقبال و جناح نجاح متوجه آسمان تجرید که مصعد سلامت و مرتقای کرامت است باید شد که با وجود سکون در زندان سفلی عروج بر ایوان
علوی از جمله محالاتست بیت چند گردی در زمین بی پا و سر چون آسمان ٭ از زمین بگسل اگر بر آسمان میبایدت ٭ در جهان قدس
اگر داری سبک روحی طمع ٭ بر جهان جسم دایم سرگران میبایدت ٭ با زعشی کز سر جبرئیل داری پر پران ٭ ور نه در گلخن نشیمن از خوان
میبایدت وَيُكَلِّمُ النَّاسَ و سخن گوید این فرزند با مردمان فِي الْمَهْدِ در کنار تو که بجای مهد باشد او را یا زمان صغر مراد است
یعنی در هنگام که شایسته گهواره بود از خورد ی سخن بزرگان گوید عجب تر بیت درین نکته که چون حق سبحانه بعلم قدیم است دانسته بود
که ترسایان در حق علو کرده و ترهم بهتت الوهیت بر وی کشیدن و بر او در حال طفولیت که سخن آورد این کلمه بر زبان وی جاری ساخته که انی عبد الله
یعنی چنان هیئت حال من که نصاری خواهند گفت بلکه من بنده خدا آفریده و یم آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا یعنی چنان حیث ادام
منقولست که در وقت حمل من بعیسی هر گاه که من در خلوت بودمی عیسی با من سخن گفتی و من با وی حدیث سخن کردمی و چون کسی با من مشغول شدی

در شکم من تسبیح اشتغال داشته باشد و من میشنیدم وَكَهْلًا و دیگر سخن گوید در وقتی که کهل باشد همان گوید و این از قبیل احتجاج است
در الزام النصاری یا در هر دو حالت کلام وی کلام انبیا باشد بی تفاوتی از طفولیت که زمان سبکساری و اضطراب است تا وقت
تعظیم و تقدیس بیت زهی یکتا خداوندی که بی قیل ٭ نه تغیر است ذاتش را نه تبدیل ٭ ای عزیز اگر صحبت عزیزی ادراک زادت
بر آنچه میباید در حفظ حرارت عزیزیه و آن در اول عمر باشد تا سی سال از زمن نمو خوانند و اگر زیادت و نه ناقص آن از سی باشد
تا چهل از سن وقوف گویند و تتمه زمان شبابست و اگر ناقص بود در ظهور ضعف و آن چهلست تا شصت از سن کهولت
نامند و بعد از آن شیخوخیت است و چون بنقل مشهور از عمر عیسی عم سی و سه سال ماهی چند گذشته بود که او را بآسمان بردند پس در کهل
برای آنست تا معلوم گردد که بزمین خواهد و بزبان کهولت مردمان او را خواهند نمود و دیگر صفت عیسی میفرماید که وَمِنَ الصَّالِحِينَ
و او از انبیا شایسته است چون نوح و ابراهیم و صلاح اهمیت جامع همه چیزها گفته اند مبالغه در وصف الهی مرتبه در آنست که او را
بصفت صلاح موسوم سازند و صلاحیت مظهریه است اسم الجامع بواسطه کمال جمعیت بیت دل عیسی است و کر ید و زنده شوی ٭
در ملک صفا زنده شوی ٭ پاینده شوی القصه چون مریم بشارت مقدم عیسی شنید قَالَتْ گفت از روی استفهام یا بطریق
استعظام رَبِّ ای پروردگار من و گفته اند جبرئیل را گفت ای سید من أَنَّى يَكُونُ از کجا در چه وجه باشد لِي وَلَدٌ مرا
فرزندی وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشَرٌ و حال آنکه مرا مس نکرده است هیچ بشری خارج عادتست که بی شوهر از زنی فرزند آید قَالَ گفت
جبرئیل كَذٰلِكِ اللّٰهُ برهمین حال که تو هستی یا آنکه مثل این امر که خلق و لداست در زنی بی مسیس بشر خدای تعالی يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ می آفریند
آنچه میخواهد خواه موافق عادت و خواه مخالف آن شبهت مر مریم را که چنانچه مشاهده کردی در باب رزقی که بتو میدادیم بنقیض
عادت و در آن شبهه نداری درین نیز مشکل مباش که بنقیض عادت بی مساس بشر فرزندی توانیم داد و محققان در بیان آنکه خلق ینجا
در قصه زکریا فرمود و یفعل ما یشاء و اینجا گوید یخلق ما یشاء چنان میگویند که آنجا چون فرزند بر وجه عادت که میان مردمان هست از جماع
زوجین لاجرم لفظ فعل لایق تر است اینجا که فرزند از روی عادت بل طریق ابداع محض بود لفظ خلق انسب افتد پس برای ازدیاد بصیرت
مریم میگوید إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا چون خدای حکم کند کاری را فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ پس جز این نیست که گوید مر آن چیز را که معلوم اوست و آنچه جود
علم او و خطاب را میشاید پس حق سبحانه آن موجود بوجود علمی مخاطب ساخته گوید كُنْ فَيَكُونُ بباش پس بباشد حقیقت این سخن
آنست که چون خواهد که چیزی بباشد بی غایله تعویقی و تاخیر نجیر تکون در آید و لفظ کن اخبار است از سرعت تکون اشیا بتکوین الهی
است که اون خلق برو دشوار نیست بی مرور زمان و بی مئونت و معونت کسان آنچه خواهد بر آن وجه که خواهد پیدا فرمایند و چنانچه قادر
بر خلق اشیا با اسباب و مواد و همچنان قدرت دارد بر آفریدن ایشان بی سببی نفخه داماده بحث کلمه کن که محیر است انفاذ
او در سوره بقره گذشت بیت حرفیست کاف و نون ز طومار صنع او ٭ وز قاف تا بقاف بران حرف کشته دال ٭ و دیگر برای
تطییب دل مریم و ازاله هموم و غموم او از خوف ملامت حسد و عدد و طعن اهل عنا و صفت عیسی کمال الکمت و تبلیغ رسالت
و اظهار معجزت او میکند و میگوید وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ و خدای بیاموزد او را کتابت را و فرستاده قبل از و بعضی گویند نیکو نویسد

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)